

## جلوه‌های کودک و کودکی در متون پهلوی و هنر ایران ساسانی\*

نگین میری<sup>۱</sup> / مریم جلالی<sup>۲</sup>

### چکیده

بازشناسی حضور و نقش کودکان از خلال مدارک نوشتاری و مادی به جامانده تاریخی با توجه به پراکندگی و محدودیت این مدارک اغلب کار چندان آسانی نیست. از جمله ارزنده ترین اسناد در این باره، متون و مدارک مادی هستند که در آنها کودکان حضور دارند. از دوران ساسانی آثار مادی نسبتاً فراوانی به جامانده و منابع نوشتاری قابل ملاحظه ای نیز در قالب متون پهلوی به این دوران منتسب است. در پژوهش حاضر تلاش شده است بر مبنای اطلاعات موجود در این منابع به مساله حضور کودکان و مقوله کودکی در جامعه ایران ساسانی پرداخته شود. پس از بررسی اولیه داده های مستخرج از مدارک نوشتاری و مادی، با تکیه بر یافته های مشترک و مفترق استنباط هایی انجام شده است. یافته ها نشان می دهند حضور کودکان را می توان در قالب سه گروه کودکان خاندان سلطنتی، کودکان شهروندان عادی جامعه و کودکان اساطیری بررسی کرد. آنچه در متون پهلوی آمده است غالباً بر مبنای تعلیم و تربیت و آموزش کودکان تاکید دارد. کودکان خاندان ساسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند تا جایی که نقش آنها در سنگ نگاره های سلطنتی، جاودانه شده است. کودکان عادی جامعه نیز تحت آموزش های دینی و مهارت های شغلی قرار می گرفتند و گاه به خدمت خاندان سلطنتی در می آمدند. در بعضی از آثار هنری ساسانی نیز نقشی نمادین برای کودک و کودکی غالباً در رابطه با اساطیر مربوط به ایزد آناهیتا یا آیین دیونیزوس لحاظ شده است. واژگان کلیدی: کودک، متون پهلوی، هنر ساسانی.

## Representations of Children and Childhood in Pahlavi Literature and Sasanian Art

Negin Miri<sup>3</sup> / Maryam Jalali<sup>4</sup>

### Abstract

Children clearly form an integrated part of human societies throughout history, however it is not always an easy task to re-identify their presence and roles through limited, vague and scattered survived historical textual and material evidence. Textual and iconographic documents that include references to children are one of the most important and maybe most frequent sources of information in this regard. As we come forward throughout history, such sources become richer and more diverse. A considerable body of material evidence has remained from the Sasanian period and a corpus of textual sources in the form of Pahlavi literature is attributed to this period. This paper aims to shed light on the subject of children and childhood in Sasanian Iran on the basis of information available in these two groups of sources. Accordingly, three groups of children were identified and examined as royal and aristocrat children, citizen children and mythological children. Relevant data from textual and material evidence were analyzed and compared, leading to certain deductions. Education was an important part of social growth and it was practiced with more depth and scope among royal children while the process of education for citizen children was limited mainly to religious teachings and vocational trainings. Some royal and aristocratic children are depicted in Sasanian rock reliefs in formal gestures while children on other mediums such as seals may refer to citizen children in different setting of playing or nurturing. Artistic representations also show children in symbolic and mythical roles in relation to Dionysus and Anahita myths as symbols of fertility and bliss.

Keywords: Children, Sasanian Art, Pahlavi Literature.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدبهشتی \* تاریخ دریافت ۹۵/۴/۲۱ تاریخ

پذیرش ۱۳۹۵/۹/۲۰

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدبهشتی

3. Assistant Professor, Department of Archaeology; E-mail: N\_miri@sbu.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature; E-mail: Ma\_jalali@sbu.ac.ir

## مقدمه

مطالعه موضوع کودک و کودکی در دوره ساسانیان وابسته به شناخت فرهنگ ایران باستان است. ارزنده ترین اسناد در این باره نقش های ماندگار و متونی هستند که در آن ها تصاویری از کودکان نقش بسته یا به وجود آنان اشاره می شود. چنین داده هایی برای پژوهشگران فرصتی فراهم می سازد تا موضوع کودکی و جایگاه آن را در ایران پیش از اسلام با تکیه بر این مستندات بررسی کنند. قدمت آنچه در فرهنگ شفاهی درباره کودک و کودکی آمده است به لحاظ زمانی قابل تخمین نیست؛ هنگامی می توان با یقین بیشتری در این باره سخن گفت که آثار یافت شده مرتبط با هر دوره بتواند اطلاعاتی مستند در اختیار پژوهشگران قرار دهد. خوشبختانه غنای مدارک مادی و نوشتاری به جا مانده از یا منتسب به دوره ساسانی زمینه مناسبی را برای بررسی نسبی نقش و وضعیت کودکان در آن دوره به دست می دهد. بخشی از این مستندات به صورت مکتوب در متون پهلوی و بخش دیگر به صورت نقوش تصویر شده بر مواد فرهنگی به جا مانده از آن دوران وجود دارند. با این حال تاکنون پژوهش منسجمی درباره ی کودک و کودکی در ایران ساسانی با استناد به مدارک مادی و مکتوب صورت نگرفته است. «رجوع به منابع و تحقیقاتی که تا امروز انجام شده اند، پیش از اینکه ما را با جایگاه اجتماعی کودک در ایران قدیم آشنا کند، تاریخ آموزش و پرورش را بازمی گوید.»<sup>۵</sup> به این ترتیب بیشتر پژوهش هایی که می توان در آنها اشاراتی به کودکان در جامعه ایران پیش از اسلام یافت بر مساله آموزش و پرورش، تربیت و نیز طبقات اجتماعی یا مناصب لشگری و کشوری دوره ساسانی متمرکز بوده اند.<sup>۶</sup> تنها در جلد نخست مجموعه تاریخ ادبیات کودکان در ایران اطلاعات موجزی در این رابطه ارائه شده است که البته از منظر مستندات معرفی شده قابل تامل و بررسی است.<sup>۷</sup>

مستندات مورد استفاده در این پژوهش در دو دسته کلی مدارک نوشتاری که همان متون پهلوی منسوب به دوره ساسانی اند و مدارک مادی جای می گیرند. زمان تالیف بیشتر متون باقی مانده به

۵. حمید رضا شاه آبادی، مقدمه بر ادبیات کودک، بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی (تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵)، ص ۹۵.

۶. هوشنگ ناقی، «نظام آموزش و پرورش در ایران باستان»، نشریه مام، ش ۸۵ (۱۳۵۵)، ص ۵۸؛ ناصر تکمیل همایون، «آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در دوره ساسانی»، مجله تحقیقات تاریخی، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، سال ۱، ش ۱ (۱۳۶۸)، ص ۸۳-۴۹.

۷. محمد هادی محمدی و زهره قاینی، تاریخ ادبیات کودکان، ج ۱ (تهران: چیسستا، ۱۳۸۹)؛ مریم جلالی، «از کودکان تاریخ تا تاریخ ادبیات کودکان»، روشنان، ش ۲۵ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵)، ص ۱۷۰.

پهلوی مربوط به سده های نخستین اسلامی است، اما مطالب آنها بر اساس شواهد و قراین متنی و مضمونی ریشه در فرهنگ ایران پیش از اسلام دارد.<sup>۸</sup> این آثار از تنوعی نسبی برخوردارند و بر اساس موضوع به دسته هایی تقسیم شده اند که در یک تقسیم بندی کل می توان آنها را در دو گروه متون دینی و غیر دینی قرار داد. در نوشتار پیش رو هر دو گروه با تمرکز بر اشارات و فرازهای مربوط به موضوع پژوهش - کودک و کودکی - مطالعه و بررسی شدند. هرچند غالب این آثار برای بزرگسالان نوشته شده اما در برخی از این گنجینه های کهن فرازهایی وجود دارد که مبین وضعیت کودکان است. از سوی دیگر بر تعدادی از آثار مادی به جا مانده از دوران ساسانی نیز تصاویری از کودکان نقش بسته است. در نهایت داده های مستخرج از مدارک نوشتاری و مادی تطبیق داده شدند و با تکیه بر یافته های مشترک و مفترق استنباط هایی انجام گرفته است.

در پژوهش پیش رو تلاش شده تا در حد امکان تمامی اطلاعات موجود درباره کودکان و کودکی در ایران ساسانی از متون و داده های مادی همچون سنگ نگاره ها، ظروف سیمین، گچبری ها و غیره استخراج و با رویکردی توصیفی-تحلیلی ارائه شود. مجموعه این داده ها و اطلاعات گرچه اجازه تحلیل های نسبتا عمیق و دقیقی به ما نمی دهند اما علاوه بر اصلاح برخی از دریافت های نادرست موجود درباره موضوع کودک و کودکی در ایران ساسانی، گزارشی مستند و تصویری کلی از وضعیت کودکان و نگاه به کودکی در این دوره مورد به دست می دهند.

## کودک و کودکی در عهد ساسانیان

با پیروزی اردشیر اول بر اردوان چهارم شاه پارتی به سال ۲۲۴ میلادی<sup>۹</sup> دوران حکومت ساسانیان بر ایران آغاز شد و بیش از چهار سده تداوم یافت. ساسانیان خود را وارثان امپراطوری بزرگ ایران و نوادگان دارا (داریوش سوم) می دانستند<sup>۱۰</sup> و با برقراری یک شاهنشاهی متمرکز در پی احیای اندیشه و فرهنگ ایران برآمدند. در همین راستا دین زرتشتی رسمیت یافت و بسیاری از پیوندهای آن در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وارد دنیای ایران ساسانی شد. پرداختن به مفهوم کودکی در دوره ساسانیان در گرو دو عامل اصلی یعنی حکومت و جامعه

۸. احمد تفضلی، *تاریخ ادبیات پیش از اسلام* (تهران: سخن، ۱۳۷۶)، ص ۱۱۴.

9. M. J. Olbrycht, "Dynastic Connections in the Arsacid Empire and the Origin of the House of Sasan," *The Parthian and Early Sasanian Empires: Adaptation and Expansion*, ed. by V. Sarkhosh Curtis, E. Pendleton. M. Alram, T. Daryaei (Oxford and Philadelphia: Oxbow Books, 2016), p. 28.

۱۰. ژوزف ویسهوفر، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ بعد از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب فر (تهران: انتشارات ققنوس،

است. از نظر تاریخ اجتماعی، جامعه ساسانی ساختاری طبقاتی بر مبنای هنجارهای اوستایی داشت و به گواهی متون به جای مانده از دوران ساسانی و نیز سده های نخستین اسلامی، چهار گروه یا طبقه در این ساختار شکل گرفته بود که عبارت بودند از ۱- روحانیون که خود شامل روحانیون ارشد (موبدان)، روحانیون پرستار آتش (هیربدان)، فقها (دستوران)، قضات (دادوران) و روحانیون دانشمند (ردان) می شد، ۲- لشگریان (ارتشتاران)، ۳- کشاورزان (واستریوشان) و برزگران (دهقان) و ۴- پیشه وران و کسبه (هوتوخشان شامل دبیران).<sup>۱۱</sup> در فصل های ۳۰ و ۳۱ کتاب مینوی خرد به تفصیل درباره ویژگی ها و وظایف این طبقات صحبت شده است؛ باور غالب آن است که این تغییرات در زمان اردشیر پاپکان و خسرو انوشیروان صورت گرفت.<sup>۱۲</sup>

در متون پهلوی - دینی و غیر دینی - به کرات به اهمیت داشتن فرزند و البته فرزند نیک اشاده شده است. فرزند نام پدر و مادر را نگاه می دارد و پرورش خوب او باعث بهروزی پدر و مادر می شود؛ «بی نام است آنکه فرزند ندارد»<sup>۱۳</sup> و یا: «به زن خواستن و فرزند آوردن و دیگر خویشکاری ها کوشا باشید»<sup>۱۴</sup> همین تاکید بر داشتن فرزند به تنهایی موبد ارزش وجود کودکان و بالطبع دنیای کودکی در جامعه ایران پیش از اسلام به طور کلی و ایران ساسانی به طور خاص است. در موردی دیگر در رساله یوشت فریان<sup>۱۵</sup> آمده است: «پدر و مادر را از انگبین شیرین تر فرزند روزه»<sup>۱۶</sup>. بنابراین داشتن یک فرزند فرخنده برای هر پدر و مادری در نگاه کلی لذت بخش بوده است.

در یسنا نیایش درخواست فرزند نیک اینگونه آمده است: «ای آذر اهورامزدا! ... مرا فرزندان رسا و کاردان، دین گستر، کشور {پرور} و انجمن آرا، با هم بالنده، نیک اندیش و از تنگنا رهانده بخش که خانمان و روستا و شهر و کشور و نام و آوازه کشور را افزایش بخشند»<sup>۱۷</sup>. از زمانی که کودک در شکم مادر است وظیفه مادر نسبت به او با نیایش شروع می شود. هرچند پدیده کمک گرفتن از

۱۱. تورج دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳)، ص ۱۵۳-۱۴۳؛ سعید نفیسی، تاریخ تمدن ایران ساسانی (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳)، ص ۱۴-۱۳، ۲۹۵.
۱۲. پرویز رجبی، هزاره های گمشده (تهران: توس، ۱۳۸۰)، ص ۴۳۴.
۱۳. یحیی ماهیار نوبی، «چند متن کوچک پهلوی»، مجموعه مقالات، به کوشش محمود طاووسی (شیراز، ۱۳۵۵)، ص ۵۱۶.
۱۴. یحیی ماهیار نوبی، «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، مجموعه مقالات، به کوشش محمود طاووسی (شیراز، ۱۳۵۵)، ص ۵۴۶.
۱۵. رساله ای از نوع ادبی چیستان که در آن ۹۹ سوال دشوار از آناهیتا در پاسخ به اخت بداندیش پرسیده می شود. تفضلی، ص ۲۵۵-۲۵۱.
۱۶. محمود جعفری دهقی، ماتیکان یوشت فریان (تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۶۵)، ص ۱۲.
۱۷. جلیل دوستخواه، اوستا، کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی (تهران: مروارید، ۱۳۸۵)، ص ۲۴۱.

خدایان برای حفظ جنین در شکم مادر قدمتی طولانی دارد،<sup>۱۸</sup> ایرانیان به دلیل ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و علاقه مندی به میهن و پادشاه دادگر در نیایش خود فرزندی را آرزو می کردند که امنیات آنان را برآورده سازد و به همین دلیل پس از تولد آنان و رسیدن به سنی که آموزش در آن آغاز می شود به دلیل التفات به معنویات، کودکان را به سوی آموزش های دینی ترغیب می کردند؛ در واقع مبانی دینی در دو بستر خانواده و اجتماع به آنان آموخته می شد.<sup>۱۹</sup> نیایش ذکر شده نشان می دهد کودکان، بزرگسالان آینده محسوب می شدند که می بایست فردی متعهد در خانه، محافظ شهر و یاور پادشاه باشند. چنین کودکی صرفاً از طبقه پادشاهی نبوده بلکه کودک شهروندان عادی جامعه است که باید خدماتی در قبال جامعه و حکومت خویش داشته باشد. ساسانیان تاکید فراوانی بر تعلیم آموزه های زرتشت به کودکان داشته اند.<sup>۲۰</sup> کارکرد و نقش دین فقط محدود به آموزه های اعتقادی نبود و دانش دنیوی را نیز در بر می گرفت. در متن *پس دانش کامگ (پسر آرزومند دانش)*<sup>۲۱</sup> می خوانیم: «دین را اندر گیتی اساسا دو کار است، یکی دانش نمودن آن که دانستن را شاید (دانش) و یکی راه نموداری بر آن که دانستن را نشاید و گروه (اعتقاد) را سزد».<sup>۲۲</sup> سوی دیگر نظر به توارثی بودن حکومت در این دوران<sup>۲۳</sup> می توان گفت که جهت حفظ مواضع سیاسی حکومت، کودکانی که پادشاهان آینده در نظر گرفته می شدند تحت تربیت و آموزش ویژه قرار می گرفتند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

تعاریف نسبتاً مشخصی را درباره بازه سنی کودکی و نوجوانی می توان در متون پهلوی یافت. معمولاً در اکثر جوامع تاریخی فرزندان تا پنج سالگی به اختیار مادر و از پنج تا هفت سالگی به بعد تحت سرپرستی پدر بودند.<sup>۲۴</sup> در یونان باستان نیز کودکان اشراف تا هفت سالگی آزادانه زندگی می

---

18. Z. Hawass, *Valley of the Golden Mummies* (New York: Harry n. Abrams. Inc. 2009), p 169.

۱۹. ناقی، همان.

۲۰. رومن گیرشمن، *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه بهرام فرهوشی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۳۳۹.

۲۱. متن کوچکی درباره دلیل بستن کستی یا کمر بند دینی زرتشتیان که در قالب گفتگویی میان یک پسر و پدر مطرح می شود. تفضلی، ص ۱۶۴.

۲۲. علیرضا کیانی، *پسر دانشکامه*، [http://up.tarikhfa.com/uploads/Pesare-Danesh-Kamah-\[www-tarikhfa-com\].pdf](http://up.tarikhfa.com/uploads/Pesare-Danesh-Kamah-[www-tarikhfa-com].pdf) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۲/۲۰) (۱۳۹۲)، ص ۳.

۲۳. نینا پیگولوسکایا، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت اله رضا (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۷۹.

۲۴. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۱، ترجمه احمد آرام (تهران: نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵)، ص ۴۳۴.

کردند.<sup>۲۵</sup> به نظر می‌رسد در ایران باستان نیز قاعده کلی بر همین مبنا بوده باشد. زیر هفت سال، سن "کودکی" محسوب می‌شد. در کارنامه اردشیر بابکان<sup>۲۶</sup> پس از آن که اردشیر فرمان به کشتن فرزندان مهرک می‌دهد، همه آنها کشته می‌شوند اما دهقانان دختر سه ساله او را تنها به سبب کمی سن او نکشته و پنهان می‌کنند.<sup>۲۷</sup> هفت سالگی آغاز دوران آموزش رسمی و ورود به مرحله جدیدی از زندگی کودک و پانزده سالگی آستانه ورود به جوانی و شروع مسئولیت فردی بوده است. در ادامه بیشتر به این مقوله پرداخته می‌شود.

در هنر ساسانی کودکان همواره در کنار بزرگسالان تصویر شده‌اند و اثری که بر آن کودک به تنهایی نمایانده شده باشد بسیار نادر است. نقش کودکان در جلوه‌های گوناگونی از آثار هنری ساسانی از جمله سنگ‌نگاره‌ها، ظروف سیمین، مهرها و گچبری‌ها قابل مشاهده است. از این میان شاید تنها بتوان کودکان منقوش بر سنگ‌نگاره‌ها را از نظر هویت تاریخی با احتمال شناسایی کرد و در مقابل به ویژه درباره نقش کودکان بروی ظروف سیمین ساسانی جهت گیری معنا و هویت کودک را باید بیشتر به سوی جلوه‌های نمادین کودک و کودکی سوق داد. طبیعتاً طبقه بندی و تشخیص شخصیت‌های نمایانده شده بر این دسته از آثار به عنوان کودک و نوجوان بر مبنای ویژگی‌های ظاهری و جسمی آنان و نیز بر اساس تناسبات هنری و دیگر قراین تاریخی و مفهومی به کار رفته برای انتقال مفاهیم مورد نظر بر روی این نگاره‌ها صورت می‌گیرد و در هیچ کدام از این آثار نوشته‌ای دال بر این شناسایی مستقیم وجود ندارد.

در ادامه بر اساس نشانه‌های موجود در مدارک نوشتاری و مدارک مادی - کودکان نقش شده بر آثار هنری به جا مانده از دوران ساسانی - موضوع کودک و کودکی در سه گروه دسته بندی شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد: کودکان خاندان سلطنتی و اشراف، کودکان شهروندان عادی جامعه و کودکان اساطیری.

## کودکان خاندان سلطنتی

در نظام‌های سلطنتی از جمله پادشاهی ساسانی علاقه به جوانب مختلف آموزش به کودکان بسیار

25. R. Flaceliere, *Daily life in Greece in the Age of Pericles* (Madrid: Ediciones Temas de Hoy, 1993), p. 111.

۲۶. کتابی تاریخی آمیخته به افسانه درباره زندگانی اردشیر اول ساسانی. تفضلی، ص ۲۶۴-۲۶۰.

۲۷. بهرام فره‌وشی، *کارنامه اردشیر بابکان* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۱۱۷.

بود و فرزندان طبقات ممتاز جامعه تحت تربیت آموزشی ویژه ای قرار می گرفتند.<sup>۲۸</sup> توسعه دانش در میان کودکان با سیاست پیوند داشت. این نظام ها برای تداوم و تثبیت خود نیازمند کارگزارانی برای آینده کشور بودند؛ با این دیدگاه لازم بود کودکان برای اداره نظام سیاسی و اجتماعی آینده آماده شوند و به همین منظور در کنار آموزش های عملی، متونی نیز با درون مایه های اخلاقی و تربیتی در سر فصل مطالعات آنان قرار می گرفت.<sup>۲۹</sup> در همین راستا بخش قابل توجهی از متون پهلوی را اندرزنامه هایی تشکیل می دهند که به منظور هدایت و راهنمایی کودکان، نوجوانان و جوانان خاندان سلطنتی و اشراف تنظیم شده اند. متن *اندرزهای آذرباد مهرسپندان*<sup>۳۰</sup> از متون موید بحث آموزش در طبقه اشراف زادگان است. در این متن آمده است: «دیر برنیامد که آذرباد را فرزندی بود، پس درست خیمی زرتشت اسپیتمان را زرتشت نام نهاد و گفت که خیز پسر من تا فرهنگ برآموزم».<sup>۳۱</sup> روایت *کارنامه اردشیر بابکان* نیز از آن رو که در متن خاندان سلطنتی می گذرد اشارات قابل توجهی درباره اوضاع کودکان خاندان سلطنتی دارد. لفظ فرهنگ در این نوشته ها نشان می دهد که جریان آموزش محدود به خواندن و نوشتن نبود و ابعاد گسترده تری داشت. کودکان اشراف، نجیب زادگان و سپاهیان علاوه بر خواندن، نوشتن و حساب (دبیری)، چوگان بازی، سواری، شطرنج، نرد و شکار را می آموختند؛<sup>۳۲</sup> بنابراین خواندن و نوشتن و نیز مهارت های فکری در اولویت های آموزش قرار داشت و در کنار این دو توجه به قابلیت های عملی فرزندان بزرگان در آموزه های مانند تیراندازی، نبرد، شمشیربازی و شکار نیز مد نظر بوده است؛ در کتاب *اندرز پوریوتکیشان*<sup>۳۳</sup> در تاکید اهمیت این دست مهارت ها آمده است: «... و ایشان را کمتر فرزندی شایسته ی ارتشتری بود».<sup>۳۴</sup> در این میان آموزش مبانی دینی نیز انجام می شد. پیگولوسکایا آموزش دین را نیز مختص طبقه مرفه

۲۸. احمد آقازاده، *تاریخ آموزش و پرورش ایران* (تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۹)، ص ۸.

29. H. Marrou, *The History of Education in West*. Translated by John Hunk (Paris, 1935), p. 10.

۳۰. اندرزهای آذرباد مهرسپندان یا آذرباد مارسپندان شامل سه مجموعه و چند قطعه اندرز منسوب به آذرباد مهرسپندان موید

موبدان دوران شاپور دوم ساسانی (۳۰۹-۳۷۹ م). است. تفضلی، ص ۱۸۴-۱۸۱.

۳۱. یحیی ماهیار نوایی، «اندرز آذرباد مارسپندان»، مجموعه مقالات، به کوشش محمود طاووسی (شیراز، ۱۳۵۵)، ص ۴۷۳؛ ملک

الشعرا بهار، *ارمغان بهار* (تهران: توس، ۱۳۶۵)، فقره ۱؛ سعید عریان، *متن های پهلوی گردآوریده جاماسب جی دستور منوچهر جی*

*جاماسب آسانا* (تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۷۷.

۳۲. فره وشی، ص ۱۱، ۱۵، ۱۹.

۳۳. اندرزنامه ای در مورد ذکر اصول عقایدی که دانستن و اعتقاد به آن ها بر هر فرد زرتشتی پانزده ساله واجب است. تفضلی،

ص ۱۸۹-۱۸۸.

۳۴. ماهیار نوایی، «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، ص ۵۳۲.

جامعه ساسانی دانسته است،<sup>۳۵</sup> هر چند بعید به نظر می‌رسد چنین چیزی در انحصار اشراف زادگان قرار گرفته باشد. نفیسی در این باره نوشته است که تعلیم اطفال نجیب زاده به روحانیون سپرده شده بود ولی معلوم نیست آنان به اطفال عامه مردم نیز تعلیم می‌دادند یا خیر.<sup>۳۶</sup>

همانطور که پیشتر اشاره شد، هفت سالگی برای کودکان زمان ورود به مرحله نوینی از زندگی اجتماعی و آموزش بود. تا پیش از این سن آنچه از دین آموخته می‌شد، بخش‌هایی از گات‌ها بود و کمی که بزرگ‌تر می‌شدند به سراغ اندرزنامه‌ها می‌رفتند.<sup>۳۷</sup> در *کارنامه اردشیر بابکان* در تاکید بر سن هفت سالگی این‌گونه آمده است: «چون زمان زادن فراز آمد پسری زاد مایه ناز. چهرش راست به اردشیر مانستی، شاپورش نام نهادند و می‌پروریدند تا به هفت سالگی آمد» و یا «شاپور هرمزد را از پدر نهان داشت تا به داد هفت ساله آمد». <sup>۳۸</sup> کودکان، به ویژه کودکان سلطنتی و اشراف از هفت تا پانزده سالگی تحت آموزش‌های عملی و نظری معینی قرار می‌گرفتند. پس از آن پانزده سالگی به منزله سن ورود به عالم جوانی و مسئولیت و آگاهی اجتماعی و درونی بود. در متن اندر پوریوتکیشان می‌خوانیم: «هر مردم که به داد پانزده ساله رسید، پس او را چند چیز بیاید دانستن که کیم؟ و ار کجا آمدم؟ و باز به کجا روم؟...».<sup>۳۹</sup> در متن *کارنامه* باز چنین آمده است که: «و چون به داد هنگام رسید {هفت سالگی}، به دبیری و سواری و دیگر فرهنگ ایدون فرخت که اندر پارس نامی شد. و چون اردشیر به داد پانزده ساله رسید، آگاهی به اردوان آمد که پاپک را پسری هست که به فرهنگ و سواری فرهیخته و بایسته». <sup>۴۰</sup> به نظر می‌رسد کلمه فرهنگ در این متون پهلوی به معنای آموزش کامل بوده است. در کتاب خسرو و ریگ<sup>۴۱</sup>، ویسپوهر که خود از خاندان اشرافی است کودکی خود را این‌گونه تبیین می‌کند: «به هنگام به مدرسه فرستاده شدم و به فرهنگ آموختن سخت شتافتم. یشت و هادخت و بغان یسن و وندیداد را هیربدانه حفظ کردم و جای جای نیوشیدن زند را آغاز کردم. مرا دبیری آنگونه است که خوب نویس و تندنویس،

۳۵. پیگولوسکایا، ص ۴۷۷.

۳۶. نفیسی، ص ۴۰؛ ناصر تکمیل همایون، «آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در دوره ساسانی»، *تحقیقات تاریخی*، ش

۳ و ۴ (۱۳۶۸)، ص ۵۶.

۳۷. آرتور کریستینسن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰)، ص ۴۳۸.

۳۸. فره‌وشی، ص ۱۰۱، ۱۲۹؛ قاسم هاشمی نژاد، *کارنامه اردشیر بابکان از متن پهلوی* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹)، ص ۵۸.

۳۹. ماهیار نوابی، «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، ص ۵۳۸.

۴۰. فره‌وشی، ص ۱۲-۱۳؛ هاشمی نژاد، ص ۳۳.

۴۱. رساله‌ای که در آن ریگی (پسر جوانی) که از نجبای دربار خسرو پرویز بوده، به سوالات این پادشاه پاسخ می‌دهد. تفضلی،

ص ۲۹۰-۲۸۹.



باریک دانش، کامکار انگشت و فرزانه سخن هستیم».<sup>۴۲</sup> توجه به آموزش کودکان در بندهای ۱۳ و ۵۸، ۱۲۹ و ۱۳۱ کتاب *آذریاد مهرسپندان* نیز اینگونه آمده است: «زن و فرزند و بنده خویش جدا از فرهنگ مهل»، «اگر پسر بود به برنایی به دبیرستان ده چه چشم روشن از دبیری است». در جایی دیگر از همین کتاب می خوانیم: «خور روز کودک به دبیرستان کن تا دبیر و فرزانه بود» و «تیر روز کودک به تیراندازی و نبرد و سواری آموختن فرست».<sup>۴۳</sup>

از سوی دیگر اشارات جالبی درباره اهمیت بازی توام با تمرین و آموزش و گزینش گروه همبازیان مناسب برای کودکان و نوجوانان دست کم در میان طبقه اشراف و خاندان سلطنتی می یابیم. در کارنامه اردشیر بابکان چنین می خوانیم: «اردوان چو نوش اردشیر را دید شاد بود و گرمی کرد و فرمود که هر روز با فرزندان و واسپوهرکان خویش به نخجیر و چوگان شود». در ادامه می بینیم محرومیت از بازی به عنوان تنبیه برای اردشیر مطرح می شود و این خود موید ارزش بازی برای کودکان و نوجوانان هر چند به شکلی آمرانه و دستوری، است.<sup>۴۴</sup>

گذشته از اشاراتی که در بالا در متون پهلوی پیرامون کودکان خاندان سلطنتی و اشراف شده است، تصویر کودکان خاندان سلطنتی را می توان بر دو سنگ نگاره ساسانی باز یافت: سنگ نگاره اردشیر اول در نقش رجب و سنگ نگاره نرسی در نقش رستم. همان طور که پیشتر اشاره شد، مهم ترین ملاک انتساب نقش ها به کودکان در آثار هنری به جا مانده از دوران ساسانی، ویژگی های ظاهری و جسمی و در خصوص سنگ نگاره ها به ویژه بر اساس تناسبات هنری، مضمون سنگ نگاره ها و نیز مقایسه میان سنگ نگاره هایی است که در آنها می توان تصاویری از کودکان را باز یافت. سنگ نگاره های اردشیر در نقش رجب و نرسی در نقش رستم هر دو مضمونی یکسان دارند و آن دیهیم بخشی و اعطای مشروعیت شاهی به شاهنشاه ساسانی است. در هر دوی این سنگ نگاره ها، درست پیش پای شاهنشاه ساسانی و درست در زیر دیهیمی که در دستان شاهنشاه و شخصیت مقابل قرار دارد، فردی به تصویر کشیده شده که بنا بر ملاحظات ظاهری و هنری، از سوی پژوهشگران کودک (پسر؟) شناسایی شده است.<sup>۴۵</sup> انتخاب یک جایگاه ویژه برای نقش کردن تصویر کودک در هر دوی این سنگ نگاره ها بی تردید نشان دهنده قصد و معنایی مشخص و

۴۲. عریان، ص ۵۵.

۴۳. ماهیار نوایی، «اندرز آذرید مارسپندان»، ص ۴۴۷، ۴۷۶، ۴۸۰.

۴۴. فره وشی، ص ۱۵، ۱۹ و نیز درباره هرمز و همبازیانش نک. همان، ص ۱۲۹ و ۱۳۱.

45. E. Thompson, "Composition and Continuity in Sasanian Rock Reliefs," *Iranica Antiqua*, Vol. 43 (2008), p. 318, 350-351.

احتمالا در رابطه با مقام ویژه این کودکان به عنوان عضو مهمی از خاندان سلطنتی و احتمالا ناظر به نسبت ویژه ایشان با مقام شاهنشاه است.

مجلس تاج گذاری اردشیر اول (۲۴۱-۲۲۴ م.) در اوایل سده سوم میلادی در نقش رجب نقش شد و از نظر ترتیب مکانی دومین نگاره ساسانی این محوطه و معروف به نگاره نقش رجب ۲ (NRj II) است. در این نقش اردشیر در حال گرفتن دیهیم شهریاری از شخصیتی است که وی را اهورامزدا دانسته اند. در میان اردشیر و اهورامزدا دو شخصیت کوچک ترسیم شده اند (تصویر ۱). برخی از پژوهشگران تصویر برهنه کوچک سمت راست را که در مقابل پای اهورامزدا ایستاده هر کول یا هر کول - ورثرغنه (بهرام) یا ایزدی نگهدارنده و همراه اهورامزدا دانسته اند.<sup>۴۶</sup> هر تسفلد او را یک ایزد یونانی معرفی کرده است.<sup>۴۷</sup> اما از آنجا که در هنر سلوکی، پارتی و اوایل ساسانی بهرام یا ورثرغنه در قالب هر کول یونانی، به شکل مرد برهنه ایستاده ای نمایانده می شود که گریزی در دست دارد.<sup>۴۸</sup> شناسایی نقش انسان کوچک سمت راست به عنوان ایزد بهرام پذیرفتنی ترین گزینه است. نقش کوچک سمت چپ ظاهرا پوششی همانند اردشیر و طوقی به گردن دارد و دنباله موج دار دیهیمش از پشت سر تا نزدیکی کمرش پایی آمده است. نقش این کودک از نظر تناسبات با کودک منقوش در سنگ نگاره نرسی در نقش رستم، تفاوت دارد و بسیار کوچک تر از اندازه و نسبت درست میان یک بزرگسال و کودک، که در نقش نرسی شاهد آن هستیم، تصویر شده است و همین امر می تواند تردیدهایی را درباره شناسایی وی به عنوان کودک ایجاد کند. اما از سوی دیگر صورت کودکانه او و نیز مقایسه این سنگ نگاره از منظر مضمون و طراحی با سنگ نگاره نرسی - جای نمایاندن کودک - را می توان به عنوان شواهدی برای شناسای وی به عنوان کودک مطرح کرد. در خصوص هویت این کودک اطلاعات چندانی در منابع یافت نمی شود. اما شناسایی ایزد بهرام (ورثرغنه) در مقابل وی گزینه بسیار هوشمندانه ای را برای تعیین هویت او به دست می دهد. بر اساس سنگ نگاره اردشیر اول در فیروزآباد که مشارکت شاپور اول در نبرد اردشیر با اردوان را به تصویر می کشد، می دانیم شاپور اول هنگام به پادشاهی رسیدن اردشیر در سنین جوانی بوده و به این ترتیب در صورت قبول کودک بودن نقش مقابل پای اردشیر در سنگ نگاره نقش رجب نمی توان او را

46. W. Hinz, *Altiranische Funde und Forschungen* (Berlin, 1969), p. 123ff; H. Lushey, "ARDAŠĪR I II. Rock reliefs," *Encyclopaedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/ardasir-ii> [accessed 15/07/2015], p. 377-80; B. Overlaet, "And Man Created God? Kings, Priests and Gods on Sasanian Investiture Reliefs," *Iranica Antiqua*, Vol. 48 (2013), p. 324.

47. E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East* (London, 1941), p. 31.

48. G. Gnoli and P. Jamzadeh, "BAHRĀM (Vərəθraγna)", *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition <http://www.iranicaonline.org/articles/bahram-1> [accessed 11/09/2016], p. 510.

شاپور اول دانست. بر مبنای قیاس با سنگ نگاره نرسی که به احتمال صحیح تر نوه نرسی را به تصویر کشیده است، شاید بتوان وی را یکی از نوادگان اردشیر دانست. بر کتیبه شاپور اول بر کعبه زرتشت نام فرزندان شاپور (نوادگان اردشیر) به این ترتیب آمده است: بهرام، شاپور، هرمز و نرسی (ŠKZ, Parth., 1.20). پژوهشگران بر این باورند که چنین ترتیبی بر اساس سن فرزندان است<sup>۴۹</sup> و به این ترتیب نقش این کودک را می توان مربوط به بهرام، بزرگترین فرزند شاپور، ولیعهد وی و نوه ارشد اردشیر دانست. از سوی دیگر اگر شناسایی تصویر برهنه سمت راست این کودک را به عنوان هرکول-ورثرغنه (ایزد بهرام) بپذیریم، شناسایی کودک به عنوان بهرام، بزرگترین نوه اردشیر قابل قبول می نماید. به این ترتیب هنرمند ساسانی در مقابل پای اردشیر، بهرام نوه وی را که وارث پادشاهی او خواهد بود، به تصویر کشیده و در برابر وی شمایل ایزد هم نام وی، بهرام ایزد پیروزی را نقش و برای رعایت تناسب و نقارن در طراحی، ایزد بهرام را هم اندازه بهرام تصویر کرده است. مجلس تاج گذاری نرسی (۲۹۳-۳۰۵ م.) در اواخر سده سوم میلادی (۲۹۵ - ۲۹۳ م.) در نزدیکی آرامگاه داریوش در نقش رستم نقش شده و از نظر ترتیب مکانی آخرین نگاره ساسانی از جانب ورودی - شرق - محوطه نقش رستم و معروف به نگاره نقش رستم ۸ (NRu VIII) است (تصویر ۲).<sup>۵۰</sup> در این نقش نرسی در حال گرفتن حلقه شهریاری از بانویی است؛ پشت سر وی نقش دو نفر تصویر شده اند که نقش فرد دوم نیمه کاره و ناتمام است. همانطور که گفته شد، بین شاه و بانو نیز کودکی ایستاده است.<sup>۵۱</sup> اکثر پژوهشگران بانوی نقش شده را الهه آناهیتا توصیف کرده اند.<sup>۵۲</sup> برخی پژوهشگران نیز بانوی تصویر شده را نه الهه آناهیتا بلکه شاپوردختک ملکه و همسر نرسی

49. M. L. Chaumont, "Les grands rois sassanides d'Arménie (III<sup>ème</sup> siècle ap. J.-C.)," in *Mélanges Ghirshman III, Iranica Antiqua*, Vol. 8 (1968), p. 81-82; W. B. Henning, "The great inscription of Šāpūr I", *Selected Papers I* (Leiden, 1977) [=Acta Iranica 14], p. 624-26.

۵۰. علیرضا شاپور شهبازی، *راهنمای مستند نقش رستم فارس* (تهران: انتشارات سفیران، ۱۳۹۳)، ص ۲۸.

51. F. Sarre and E. Herzfeld, *Iranische Felsreliefs* (Berlin, 1910), p. 84-8; G. Herrmann and R. Howell, *Naqsh-i Rostam 5 and 8, Sasanian Reliefs attributed to Hormuzd II and Narseh*, *Iranische Denkmäler 8* (Berlin 1977).

۵۲. سید محمد تقی مصطفوی، «نقوش ساسانی در فارس»، *نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان*، دوره اول، س ۱، ش ۳، (۱۳۴۳)، ص ۳۰؛ لویی واندربرگ، *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹)، ص ۲۶؛ گیرشمن، ص ۱۷۶؛ ولادیمیر گریگوریویچ لوکونین، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت الله رضا (تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۰)، ص ۳۲۱.

Sarre and Herzfeld, p. 84-8; Thompson, p. 350-351; S. R. Musavi Haji and R. Mehrfarin, "The Lady Represented in Narseh's Relief: Shapurdokhtak or Anahita?", *International Journal of Humanities*, Vol. 16 (2) (2009).

دانسته اند.<sup>۵۳</sup> متأسفانه جزئیات قسمت بالای بدن و صورت کودک در اثر تخریب نگاره دچار آسیب شده است. اندازه قد وی تقریباً تا کمر بانو و نرسی است و بر این اساس نقش نمی تواند متعلق به یک نوجوان بوده و کودکی را نشان می دهد.<sup>۵۴</sup> در خلال پژوهش هایی که تاکنون درباره این سنگ نگاره انجام شده است، تمرکز بیشتر بروی هویت نرسی و بانوی نقش شده و هویت تاریخی و معنایی نقش بوده و کمتر مطلبی می توان درباره ویژگی های شمایل نگارانه و هویت تاریخی کودک به نمایش درآمده یافت. کودک ردای سلطنتی در بر دارد و در اینکه این کودک عضوی از خاندان سلطنتی نرسی بوده تردیدی نیست. برخی پژوهشگران وی را هرمز دوم فرزند و ولیعهد نرسی<sup>۵۵</sup> و عده ای وی را آذر نرسی نوه نرسی دانسته اند.<sup>۵۶</sup> نظر اخیر درست تر به نظر می رسد چرا که جوان به نمایش درآمده در پشت سر نرسی، کلاه مخصوص شاهزادگان را به سر دارد و با توجه به اینکه درست پشت سر پادشاه ایستاده باید هرمز دوم جانشین وی باشد.<sup>۵۷</sup>

به این ترتیب شاید بتوان گفت، کودکان خاندان سلطنتی نه تنها تحت آموزش های نظری و عملی ویژه ای قرار می گرفتند، بلکه به تناسب تاکید بر جایگاه ایشان به عنوان شاهان آینده، در موقعیت های گوناگونی از زندگی و مناسبات مهم درباری حاضر بودند و این حضور از چنان اهمیتی برخوردار بود، که تصویر آنها نه تنها در صحنه های اعطای دیهیم شاهی جاودانه شده بلکه جایگاه ویژه ای نیز برای ایشان نه در پشت سر، بلکه درست در مقابل پای شاهنشاه و در زیر دیهیم شاهی در نظر گرفته شده است.

## کودکان، شهروندان جامعه ساسانی

متون پهلوی منسوب به دوران ساسانی نشان می دهند کودکانی که از خانواده های معمولی و متوسط بودند پس از گذراندن مرحله ی بیولوژیک به آموختن مهارت های زندگی می پرداختند تا

53. A. Sh. Shahbazi "Studies in Sasanian Prosopography", *AMI* N.S. 16 (1983), p. 265-8; M. Brosius, "WOMEN i. In Pre-Islamic Persia", *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/women-i> [accessed 10/07/2015]; B. Overlaet, p. 314-5.

برای آگاهی از پیشینه پژوهش ها درباره هویت پادشاه و بانوی این سنگ نگاره نک:

Shahbazi, p 257-61.

۵۴. این نسبت در قیاس با سنگ نگاره دوم اردشیر اول در فیروزآباد (Firuzabad II) که نوجوانی را در پشت سر پادشاه نوجوانی

نشان می دهد، بهتر قابل درک است.

55. E. Schmidt, *Persepolis III: The Royal Tombs and Other Monuments* (Chicago: The University of Chicago Press, 1970), p. 134.

56. Shahbazi, p. 268; Musavi Haji and Mehrafarin, p. 78.

انتظارات بزرگسالان را برآورده سازند؛ در واقع کودکان ابزاری برای تامین نیازهای بزرگسالان و خانواده بودند.<sup>۵۸</sup> آموزش همگانی در این دوره به شرایط زندگی و توان مالی مردم عادی وابسته بود؛ در این دوره آموزش و تربیت کودکان در جهت تأمین آینده‌ی خانواده بسیار مهم و ارزشمند شمرده می‌شد.<sup>۵۹</sup> کرسی‌سن معتقد است که مردم عامه و فرزندان آنان فاقد بضاعت سواد ادبی بودند<sup>۶۰</sup> و عدم توجه برخی از خانواده‌ها را به آموزش سواد کودکان در طبقه متوسط را می‌توان ناشی از نیاز خانواده به کودک در امر معیشت دانست<sup>۶۱</sup> و به همین دلیل پسران با توجه به سود اقتصادی خانواده بیشتر پیشه می‌آموختند<sup>۶۲</sup> و فرزندان صنعتکاران غالباً مانند پدران به کسب حرفه می‌پرداختند؛<sup>۶۳</sup> بنابراین در سبک زندگی کودکان متوسط این دوره، تعلیم عملی اهمیت بیشتری داشت.

از سویی دیگر وجود متنی با عنوان *خویشکاری ریدگان* که شامل بخشی با عنوان *اندرز خوبی کنم کنم* به شما کودکان نیز هست<sup>۶۴</sup> (در اینجا *اندرز کودکان*)، نشان می‌دهد که دست کم بخشی از طبقه متوسط کودکان جامعه نیز، مخاطبان آموزش رسمی بودند. در نگاه کلی تر این رساله یکی از متونی است که بر مبنای شواهد موجود در آن می‌توان گفت مخاطبین آن، تمام کودکان جامعه زمان ساسانیان بوده‌اند. شاید نخستین محل آموزش کودکان به شکل عمومی در آتشکده‌ها و دیرها و بیشتر در قابل آموزه‌های دینی بود و تعلیم اطفال به مغان و موبدان سپرده می‌شد.<sup>۶۵</sup> احتمالاً آموزش بخش‌هایی از اوستا و آداب دینی برای کودکان عمومی بود.<sup>۶۶</sup> در فرازهایی از متن *اندرز کودکان* درباره محل تحصیل کودکان این گونه آمده است: «یکی درود و اندرز نیک همی

---

۵۸. کمال پولادی، *رویکردها و شیوه‌های ترویج خواندن* (تهران: موسسه فرهنگی پژوهش تاریخ ادبیات کودکان، ۱۳۸۷)، ص ۱۳۵.

۵۹. محمد محمدی، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*، ج ۱ (تهران: توس، ۱۳۷۴)، ص ۱۲۴.

۶۰. کریستین سن، ص ۴۳۸.

۶۱. مسعود رضوی، *تربیت ایرانیان در شاهنشاهی دوران پیش از اسلام* (تهران: مدرسه عالی پاریس، ۱۳۵۰)، ص ۱۸۳.

۶۲. دوران، ص ۴۳۵.

۶۳. گیرشمن، ص ۳۰۴.

۶۴. متنی درباره وظایف کودکان از صبح که به مدرسه می‌روند تا هنگام بازگشت به خانه. در ادامه این متن، متن دیگری با مضمونی مشابه آمده است که با عبارت *اندرز خوبی کنم کنم* به شما کودکان آغاز می‌شود. این دو متن با عنوان *اندرز کودکان* به فارسی برگردانده شده‌اند. نک: تفضلی، ص ۱۹۳-۱۹۲.

۶۵. علیرضا حکمت، *آموزش و پرورش در ایران باستان* (تهران: موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی آموزشی، ۱۳۵۰)، ص

۱۰۴؛ نفیسی، ص ۴۰.

۶۶. تکمیل همایون، ص ۵۷.

کنم به شما کودکان که چون از هیربدستان بروید در راه راست بروید».<sup>۶۷</sup> در بخشی دیگر از این اثر آمده است: «خویشکاری پسرکان را بدین شرح، بزرگ دبیرستان داده است»<sup>۶۸</sup> این کتاب یک اثر آموزشی کامل در آداب مدرسه، عبادت و حتی رفتارهای اجتماعی است. در کتاب/ندرز پوریوتکیشان نیز فرازهای دیگری وجود دارد که به آموزش کودکان به شکل عام اینگونه اشاره می کند: «... مگر او که کر گنگ یا ناتوان بود و چون اینهمه کند بایدش به هیربدستان رفتن و زند آموختن».<sup>۶۹</sup> در رابطه با مراقبت از فرزند در کتاب گجستگ/ابالیش<sup>۷۰</sup> چنین می خوانیم: «موبد گفت که دادستان این آنگونه نه همانند چون فرزندی که انگشت مار گزید و پدر برای اینکه زهر به همه تن نرسد فرزند نمیرد انگشت فرزند برد، پدر را نه نادان و دشمن باید پنداشتن بلکه دانا و دوست».<sup>۷۱</sup> این مسئولیت پذیری آن قدر موکد است که در کتاب/ندرز پوریوتکیشان با اشاره به در نظر داشتن گروه سنی کودک آمده است: «پدر و مادر فرزند خویش را باید این چند کار و کرفه پیش از پانزده سال بیاموختن .... و چونش نیاموزند هر گناه که فرزند به نابخردی کند همه پدر و مادر را بود».<sup>۷۲</sup> بنابراین اگر خطایی پیش از پانزده سالگی توسط کودک رخ می داد مسئول آن خطا والدین بودند نه کودک.

از سوی دیگر همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، در نیایشی از یسنا داشتن و تربیت فرزندی دین گستر، کاردان و لایق که باعث سربلندی نام و آوازه کشور شود، از اهورامزدا طلب شده است.<sup>۷۳</sup> به این ترتیب کودکان جامعه ایران ساسانی، نه تنها به عنوان عضوی از خانواده در برابر خاندان خود، بلکه به عنوان شهروندی از جامعه، از مسولیتی اجتماعی در مقابل خانمان و روستا و شهر و کشور خود نیز برخوردار بودند. شاید در همین راستا بوده که گاه در این دوره گاه کودکان شهروند جامعه ساسانی به خدمت در خاندان شاهی فرا خوانده می شدند. در بخش هایی از شاهنامه در چند مورد انگشت شمار به کودکان طبقه متوسط اجتماع توجه شده است که در خدمت شاهان بوده و تمکن یافته اند. گروه همبازیان شاپور پسر اردشیر یکی از این شمار است و صد کودک همسال با

۶۷. کتابیون مزدپور، «ندرزنامه کودکان»، چیستا، ش ۵۷ و ۵۸ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸)، ص ۴۹۰.

۶۸. همان.

۶۹. ماهیار نوبی، «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، ص ۵۳۰؛ عریان، ص ۶۸.

۷۰. متنی درباره مناظرات میان یک زرتشتی مسلمان شده معروف به ابالیش و پیشوای زرتشتیان در سده سوم هجری. نک:

تفضلی، ص ۱۶۶-۱۶۴.

۷۱. ابراهیم میرزای ناظر، «ماتیگان گجستگ ابالیش»، چیستا، ش. ۶۴ (دی ۱۳۶۸)، ص ۴۷۵.

۷۲. ماهیار نوبی، همان؛ عریان، ص ۶۹-۶۸.

۷۳. دوستخواه، همان.

او در بازی بودند؛ گروه دیگر کودکانی هستند که در قصر شیرویه بودند تا موجبات تفریح شیرویه را فراهم کنند.<sup>۷۴</sup> در سنگ نگاره ها نیز نشانه هایی وجود دارد که این موضوع را تایید می کند و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در سنگ نگاره اردشیر در پای پل فیروزآباد (Firuzabad I)، اردشیر در حال گرفتن حلقه قدرت از شخصیت مقابل خود (اهورامزدا) تصویر شده، در حالی که ولیعهد شاپور اول و دو نفر از بزرگان یا شاهزادگان پشت سر وی ایستاده اند. میان اردشیر و شاپور نوجوانی در مقام بادبزن دار قرار دارد (تصویر ۳). به عقیده هینتس این فرد بنا بر منزلت جایگاهش کوچک تر از اردشیر به تصویر کشیده شده است. نشان او در نور مناسب غنچه ای است که بر کلاهش نشانده شده و این ندیم دست چپ خود را روی قبضه شمشیر دارد.<sup>۷۵</sup> پذیرش این نظر که فرد پشت سر اردشیر بنا به جایگاهش کوچک تر نشان داده شده است، چندان منطقی به نظر نمی رسد چرا که این فرد در مقایسه با اندازه و قامت بزرگسالان نقش شده، ویژگی های ظاهری متفاوتی دارد. موی وی کوتاه تر و صورت وی بدون ریش ترسیم شده است و گویی دست خود را تا جایی که توانسته کشانده تا بتواند بادبزن را بالای سر شاهنشاه بگیرد. از سوی دیگر آیین نکته که در نقش های دیگر، بادبزن در قامت انسان بالغ تصویر شده، این فرض را که فرد بنا به جایگاهش کوچک نمایانده شده رد می کند. آنچه محتمل تر به نظر می رسد، این است که وی از کودکان عالی رتبه ای است که تعلیم دیده تا در دربار خدمت کند. نمونه دیگری از این تصویرنمایی در نقش برجسته اردشیر در نقش رستم دیده می شود. شهبازی فرد به تصویر کشیده شده در پشت سر اردشیر در این نقش را جوانی حدودا ۱۷ ساله و شاید از خاندان قارن معرفی کرده و به نقل از لوکونین با توجه به علامت روی کلاه نقش نوجوان/جوان پشت سر اردشیر را در هر دو نقش فیروزآباد و نقش رستم متعلق به یک نفر دانسته است.<sup>۷۶</sup> اورلت نیز به همین ترتیب معتقد است فردی که در نقش برجسته های اردشیر در فیروزآباد، نقش رستم و نقش رجب در پشت سر بادبزن رانگه داشته یک فرد است که در نخستین نقش هنوز کودک بوده و در نقش های بعد به شکل نوجوانی نشان داده شده است.<sup>۷۷</sup>

افزون بر موارد پیش گفته، بر روی چند مهر ساسانی شاید بتوان تصویر کودکی را در کنار فردی

74. M. J. Yahaghi, M. J. and M. Jalali, "Children as the Main Theme in Shahnameh," *E-Journal of New World Sciences Academy (NWSA)*. Vol. 6, No. 1, Article No. 4C0083 (2001), p. 213.

۷۵. والتر هینتس، یافته های تازه از ایران باستان، ترجمه پرویز رجبی (تهران: انتشارت ققنوس، ۱۳۸۵) ص ۱۷۰-۱۶۹.

۷۶. شهبازی، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ لوکونین، ص ۳۰۷-۳۰۵.

77. Overlaet, p. 328.

بزرگسال بازشناخت (تصاویر ۴-۶). در یک مورد به نظر می رسد کودکی در حال بازی با یک شیء گوی مانند با یک بزرگسال<sup>۷۸</sup> و در موردی دیگر کودکی در دامان مادر در حال بازی با وسیله ای حلقه مانند نشان داده شده است. بازی از دنیای کودکی و نوجوانی جدا نبوده و نیست و گرچه شاید بتوان گفت مدارک مادی مربوط به بازی کودکان در طول زمان از دست رفته اند اما همان طور که پیشتر نیز گفته شد، اشاراتی به این مقوله را می توان در مدارک نوشتاری و در این مورد، شاید بر روی این نقش مهر بازیافت.

بدین سان، برای کودکان شهروند جامعه ساسانی، مهم ترین وظیفه آموختن آداب دینی و نیز مهارت های عملی بود که در زندگی اجتماعی ایشان به کار آید. در این میان اما شواهدی هر چند اندک در متون پهلوی و هنر دوران ساسانی، از طریق اشارات مستقیم و غیرمستقیم به بازی، ما را با این وجه مهم دنیای کودکان در میان کودکان جامعه ساسانی روبرو می کند.

## کودکان اساطیری

در ارتباط با موضوع کودکان اساطیری در منابع نوشتاری نشانه های کمی وجود دارد. فرازی در گاهان با این جمله ها آمده است: «اینک سخن می گویم از آنچه از زندگی از همه چیز بهتر است. از اشه دریافتم که مزدا آفریدگار او و پدر منش نیک کوشاست و آرمیتی<sup>۷۹</sup> دختر نیک کنش هموست»<sup>۸۰</sup>. نگاه به زمین به عنوان فرزند دختری که سمبل زایش است، خاستگاه اساطیری دارد. فرازاها و عباراتی از این دست در متون پهلوی بسیار محدودند. اما از سوی دیگر بر تعدادی از آثار هنری به جا مانده یا منسوب به دوران ساسانی نقش کودکان در بستر مفاهیم اسطوره های و افسانه ای نیز به چشم می خورد که در ادامه به مهم ترین نمونه این نقش ها اشاره می شود.

دومین و سومین نقش برجسته واقع در تنگ چوگان بیشاپور در سمت چپ تنگه (BSH II-III) به پیروزی های شاپور اول بر رومیان اختصاص دارند. در این دو سنگ نگاره گردیانوس در زیرپای اسب شاپورافتاده و فیلیپ عرب در برابر وی زانورده، در حالیکه پادشاه ساسانی دست امپراطور والرین را به نشانه اسارت در دست گرفته است. در هر دو نقش بر فراز زومیان و به سوی پادشاه سوار بر اسب، کودکی به شکل فرشته ای بالدار در حال اهدای حلقه شهریاری به شاپور است (تصاویر ۷ و

۷۸. البته می توان نقش این مهر را دادن یا گرفتن میوه نیز تفسیر کرد (۴).

۷۹. نگهبان و ایزدبانوی زمین

۸۰. دوستخواه، ص ۵۲.



۸). کیل نقش کودک-فرشته را اقتباسی از هنر غربی می داند<sup>۸۱</sup> که بنا به موضوع نقش برجسته که در ارتباط با روم است، در آن نقش شده است. به سخنی دیگر برای مخاطب رومی، نقش کودک بالدار که حلقه پیروزی یا شهریاری را به پادشاه پیروز ایرانی می دهد، از نظر نمادین بسیار معنادار بوده است. در هنر ایرانی نقش کودک بالدار منشا شرقی ندارد و نمونه های اندکی از آن را در دیگر جلوه های هنر ساسانی از جمله ظروف سیمین و مهرها می توان دید. نقوش کودکان بالدار یا بدون بال در ظروف سیمین غالباً در نقش مایه های مربوط به پیروزی دیونیزوس که مضمونی اقتباسی از هنر و اساطیر یونانی و رومی است، دیده می شود (تصاویر ۹ و ۱۰). پیش از این نیز نقش کودک یا انسان بالدار در هنر پارتی به شکل الهه نیکه به ویژه بروی سکه ها سابقه داشت که آن نیز برگرفته از هنر و فرهنگ هلنی بود.<sup>۸۲</sup>

سابقه نشان دادن کودک به عنوان نمادی از قدرت باروری زن به هزاره هفتم پیش از میلاد می رسد.<sup>۸۳</sup> در فرهنگ ایران پیش از اسلام و در باور زرتشتی ایزدبانو آناهیتا، ایزدبانوی آب، گیاهان، کشت و کار و به طور خاص باروری است. به عبارتی دیگر تمام این نسبت ها را می توان در ذیل ویژگی اصلی وی به عنوان نماد باروری تعریف کرد. نقش الهه آناهیتا بروی بسیاری از آثار هنری دوره ساسانی به ویژه ظروف سیمین و به خصوص آبریزها که کاربردشان در ارتباط با آب بوده، ترسیم شده است. در برخی از این نمونه ها به خصوص آبریز موسوم به ظرف آناهیتا که در موزه کلیولند نگهداری می شود، ایزدبانو در چهار وجه ظرف همراه با مهم ترین نمادهایش نشان داده شده است (تصویر ۱۱)؛ اینها شامل سطل و پرند (نمادهای آب)، خوشه انگور و گل (نماد گیاهان)، سگ و کاسه میوه (نمادهای نگهبانی از خانه و دام و کشاورزی)، و کودک و انار (نمادهای باروری) هستند.<sup>۸۴</sup> همین نمادها را با ترکیب های متفاوت می توان بروی دیگر نمونه های مشابه باز یافت (تصاویر ۱۲-۱۵).

81. E. Keall, "BĪŠĀPŪR", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV, Fasc. 3 (1989), p. 288

82. D. Sellwood, *The Coinage of Parthia*, 2nd rev. ed. (London, 1980), p. 54.6

۸۳. کهن ترین اثر تجسمی به دست آمده از ایران که کودکی را به تصویر کشیده است، پیکرک گلی مادر و کودک از محوطه باستانی تپه زاغه مربوط به اواخر هزاره هفتم و اوایل هزاره ششم پیش از میلاد است. این پیکرک در کنار هفت پیکرک مونث دیگر در بنای موسوم به بنای منقوش که بنایی با کارکرد آیینی تفسیر شده به دست آمده است.

A. Deams, "The Iconography of Pre-Islamic Women in Iran", *Iranica Antiqua*, Vol. 36 (2001), p. 4.

پیکرک بسیار مسبک است و زن نشسته ای را نشان می دهد که کودکی را در آغوش گرفته است. تاکید بر عناصر مربوط به بارداری مانند شکم برآمده و در این نمونه خاص وجود کودک، به وجه باروری و مادری زن اشاره دارد. نمونه های متاخرتر این نوع پیکرک های مادرانه بعدها به وفور در هنر عیلامی یافت می شود.

84. D. Shepherd, "Sasanian Art in Cleveland", *Bulletin of the Cleveland Museum of Art*, Vol. 51 (1964), p. 84.

پیکرک گچی چند پسر بچه که به صورت برهنه در داخل تاق نماهای کوچکی در یکی از فضاهای داخلی خانه اربابی حاجی آباد در داراب فارس (مربوط به زمان شاپور دوم ساسانی ۳۰۹-۳۷۹ م.) به عنوان یک عنصر تزئینی قرار گرفته بودند را می توان بازتاب دیگری از حضور کودکان اساطیری در هنر ساسانی دانست. در دست این بچه ها خوشه ای انگور و بر سر آنها سربندی با زیورهای قلبی شکل قرار دارد (تصویر ۱۶). در تفسیر و تبیین مفاهیم نمادین این پیکرک ها، آذرنوش آنها را در ارتباط با آیین ایزدانوی باروری یعنی آناهیتا دانسته و در کنار آن وجود عناصری مانند خوشه انگور و عناصر قلبی شکل سربند پیکرک ها را در ارتباط با آیین دیونیزوس می داند.<sup>۸۵</sup>

### نتیجه

کودکان بخش مهمی از هر جامعه انسانی اند اما درک کم و کیف مقوله کودکی و شرایط عمومی کودکان در جوامع دور تاریخی کارچندان ساده ای نیست. مهم ترین دلیل این امر طبیعتاً آن است که ردپای حضور کودکان در منابع تاریخی اعم از نوشتاری یا مادی بسیار کم رنگ است. این محدودیت کمیت و کیفیت اطلاعات برآمده از این منابع و به دنبال آن ارائه تحلیل های بیشتر درباره وضعیت کودکان و نگاه به مساله کودکی را در طول تاریخ متاثر می کند. بررسی دو دسته از منابع تاریخی مربوط به دوران ساسانی شامل متون پهلوی و مدارک مادی درکی کلی از این موضوع در اختیار قرار می دهد. بر اساس این منابع کودکان حاضر در متون پهلوی و هنر ساسانی در سه گروه دسته بندی می شوند: کودکان خاندان سلطنتی و اشراف، کودکان عادی جامعه و کودکان اساطیری. آنچه در متون پهلوی آمده است غالباً بر مبانی تعلیم و تربیت و آموزش کودکان تاکید دارد. از جمله نکات قابل توجه درباره مقوله کودکی و نوجوانی، مینا بودن دو سن هفت و پانزده سالگی در جامعه ایران ساسانی است. کودکان پس از هفت سالگی وارد مرحله متفاوتی از رشد اجتماعی می شدند و پس از پانزده سالگی مسئولیت اجتماعی ایشان تشدید می شد. فرایند آموزش به شکل کامل تر و گسترده تر شامل حال کودکان خاندان سلطنتی و اشراف می شد و هدف اصلی آن بود که با حفظ مواضع سیاسی حکومت، کودکانی که پادشاهان و درباریان آینده بودند تحت تربیت و آموزش ویژه قرار بگیرند و در شاخه های نظری و عملی تعلیم ببینند. به این

۸۵. مسعود آذرنوش، «حاجی آباد و گفتگوی تمدن ها»، ترجمه ع. ا. وحدتی، باستان پژوهی، س ۹، ش ۱۷ (۱۳۹۴)، ص

ترتیب کودکان خاندان ساسانی در دربار از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند تا جایی که در مواردی نقش آنها در سنگ نگاره های سلطنتی با موضوع دیهیم بخشی در کنار شاهنشاه ساسانی جاودانه شده است. کودکان به عنوان شهروندان عادی جامعه نیز غالباً تحت آموزش های دینی و آموزش مهارت ها و پیشه هایی قرار می گرفتند که در آینده ایشان را به کار آید. بعضی حتی گاه در خدمت خاندان شاهی بودند. در این میان نقشی متفاوت با حضور کودک و کودکی بر ظروف سیمین ساسانی دیده می شود که جهت گیری نمادین دارد و کودک در آن در رابطه با اساطیر مربوط به ایزد آناهیتا یا آیین دیونیزوس به عنوان نماد زایش معرفی می شود.

### کتابنامه

- آذرنوش، مسعود. «حاجی آباد و گفتگوی تمدن ها.» ترجمه ع. ا. وحدتی. باستان پژوهی. س. ۹، ش. ۱۷. ۱۳۹۴. ص. ۳۹-۳۰.
- آقازاده، احمد. تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۹.
- بهار، ملک الشعرا. ارمغان بهار. تهران: توس، ۱۳۶۵.
- پولادی، کمال. رویکردها و شیوه های ترویج خواندن. تهران: موسسه فرهنگی پژوهش تاریخ ادبیات کودکان، ۱۳۸۷.
- پیگولوسکایا، نینا. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه رضا عنایت. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
- تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات پیش از اسلام. تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- تکمیل همایون، ناصر. «آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در دوره ساسانی.» تحقیقات تاریخی. ش ۳ و ۴، ۱۳۶۸. ص. ۵۴-۵۹.
- جعفری دهقی، محمود. ماتیکان یوشت فریان. تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۶۵.
- جلالی، مریم. «از کودکان تاریخ تا تاریخ ادبیات کودکان.» روشنان. ش. ۲۰. بهار ۱۳۹۵. ص. ۱۷۵-۱۷۰.
- حکمت، علیرضا. آموزش و پرورش در ایران باستان. تهران: موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی آموزشی، ۱۳۵۰.
- دریایی، تورج. شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام. تهران: نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- دوستخواه، جلیل. اوستا، کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی. تهران: مروارید، ۱۳۸۵.
- رجبی، پرویز. هزاره های گمشده. تهران: توس، ۱۳۸۰.
- رضوی، مسعود. تربیت ایرانیان در شاهنشاهی دوران پیش از اسلام. تهران: مدرسه عالی پاریس، ۱۳۵۰.
- شاه آبادی، حمید رضا. مقدمه بر ادبیات کودک. بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵.

شهبازی، علیرضا شاپور. راهنمای مستند نقش رستم فارس. تهران: انتشارات سفیران، ۱۳۹۳.  
عربان، سعید. متن های پهلوی گردآوریده جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا. تهران: انتشارات  
سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.

فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه فردوسی. تهران: نشر پیمان (چاپ مسکو)، ۱۳۷۹.  
فره وش، بهرام. کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.

کریستینسن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.  
کیانی، علیرضا. پسر دانشکامه. <http://up.tarikhfa.com/uploads/Pesare-Danesh-Kamah->  
[www-tarikhfa-com].pdf، ۱۳۹۲، (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۲/۲۰)

گیرشمن، رومن. هنر ایران در دوران پارت و ساسانی. ترجمه بهرام فرهوشی. تهران: انتشارات علمی و  
فرهنگی، ۱۳۷۰.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ. تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت الله رضا. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و  
نشر کتاب، ۱۳۵۰.

ماهیار نوایی، یحیی. «اندرز آذربید مارسپندان.» مجموعه مقالات. به کوشش محمود طاووسی. شیراز، ۱۳۵۵.  
ص. ۴۸۳-۴۵۶.

\_\_\_\_\_ «چند متن کوچک پهلوی.» مجموعه مقالات. به کوشش محمود طاووسی. شیراز، ۱۳۵۵. ص.  
۵۲۴-۵۰۴.

\_\_\_\_\_ «گزیده اندرز پوریوتکیشان.» مجموعه مقالات. به کوشش محمود طاووسی. شیراز، ۱۳۵۵. ص.  
۵۴۸-۵۲۵.

محمدی، محمد. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. تهران: توس،  
۱۳۷۴.

محمدی، محمد هادی و زهره قاینی. تاریخ ادبیات کودکان. تهران: چیستا، ۱۳۸۹.  
مزداپور، کتابون. «اندرزنامه کودکان.» چیستا. ش. ۵۷ و ۵۸. فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸. ص. ۴۹۲-۴۸۸.  
مصطفوی، سید محمد تقی. «نقوش ساسانی در فارس.» نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان. س. اول، ش. ۳،  
۱۳۴۳. ص. ۳۷-۲۹.

میرزای ناظر، ابراهیم. «ماتیکان گجستک ابالیس.» چیستا. ش. ۶۴ دی ۱۳۶۸. ص. ۴۷۸-۴۷۳.  
ناقی، هوشنگ. «نظام آموزش و پرورش در ایران باستان.» نشریه مام. ش. ۸۵. ۱۳۵۵. ص. ۶۰-۵۷.  
نفیسی، سعید. تاریخ تمدن ایران ساسانی. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.

واندنبگ، لویی. باستان شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه  
تهران، ۱۳۷۹.

ویسپوهفر، ژوزف. ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ بعد از میلاد. ترجمه مرتضی ثاقبفر. تهران:  
انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.

هاشمی نژاد، قاسم. کارنامه اردشیر بابکان از متن پهلوی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹

هینتس، والتر. یافته های تازه از ایران باستان. ترجمه پرویز رجبی. تهران: انتشارت ققنوس، ۱۳۸۵.

- Brosius, M. "WOMEN i. In Pre-Islamic Persia." *Encyclopedia Iranica*. Online Edition <http://www.iranicaonline.org/articles/women-i> [accessed 10/07/2015].
- Chaumont, M. L. "Les grands rois sassanides d'Arménie (IIIème siècle ap. J.-C.)." in *Mélanges Ghirshman III*, Iranica Antiqua 8. 1968. p. 81-93.
- Deams, A. "The Iconography of Pre-Islamic Women in Iran." *Iranica Antiqua* 36. 2001. p. 1-150.
- Engels, D. "The Problem of Female Infanticide in the Greco-Roman World." *Classical Philology*. 75. 1980. p. 112-120.
- Flaceliere, R. *Daily life in Greece in the Age of Pericles*. Ediciones Temas de Hoy: Madrid, 1993.
- Gnoli, G. and P. Jamzadeh. "BAHRĀM (Vərəθraϥna)." *Encyclopedia Iranica*. Online Edition <http://www.iranicaonline.org/articles/bahram-1> [accessed 11/09/2016].
- Hawass, Z. *Valley of the Golden Mummies*. New York: Harry n. Abrams. Inc., 2000.
- Henning, W. B. "The great inscription of Šāpūr I." *Selected Papers I*, Leiden [=Acta Iranica 14]. 1977. p. 601-627.
- Herrmann, G. and R. Howell. *Naqsh-i Rostam 5 and 8, Sasanian Reliefs attributed to Hormuzd II and Narseh*. *Iranische Denkmäler* 8, Berlin, 1977.
- Herzfeld, E. *Iran in the Ancient East*. London, 1941.
- Hinz, W. *Altiranische Funde und Forschungen*, Berlin, 1969.
- Keall, E. "BĪŠĀPŪR," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV. Fasc. 3. 1989. p. 287-289.
- Luschey, H. "ARDAŠĪR I ii. Rock reliefs," *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition <http://www.iranicaonline.org/articles/ardasir-ii> [accessed 15/07/2015]
- Marrou, H. *The History of Education in West*. Translated by John Hunk. Paris, 1935.
- Musavi Haji S. R. and R. Mehrafarin. "The Lady Represented in Narseh's Relief: Shapurdokhtak or Anahita?" *International Journal of Humanities*. Vol. 16 (2). 209. p. 75-85.
- Olbrycht, M. J. "Dynastic Connections in the Arsacid Empire and the Origin of the House of Sasan," *The Parthian and Early Sasanian Empires: Adaptation and Expansion*, ed. by V. Sarkhosh Curtis, E. Pendleton. M. Alram, T. Daryaee, Oxford and Philadelphia: Oxbow Books, 2016. p. 23-35.

Overlaet, B. "And Man Created God? Kings, Priests and Gods on Sasanian Investiture Reliefs," *Iranica Antiqua* 48. 2013. p. 313–354.

Sarre F. and E. Herzfeld, *Iranische Felsreliefs*, Berlin, 1910.

Schmidt, E. *Persepolis III: The Royal Tombs and Other Monuments*. Chicago: The University of Chicago Press, 1970.

Sellwood, D. *The Coinage of Parthia*, 2nd rev. ed., London, 1980.

Shahbazi, A. Sh. "Studies in Sasanian Prosopography," *AMI N.S.* 16. 1983. p. 255-68.

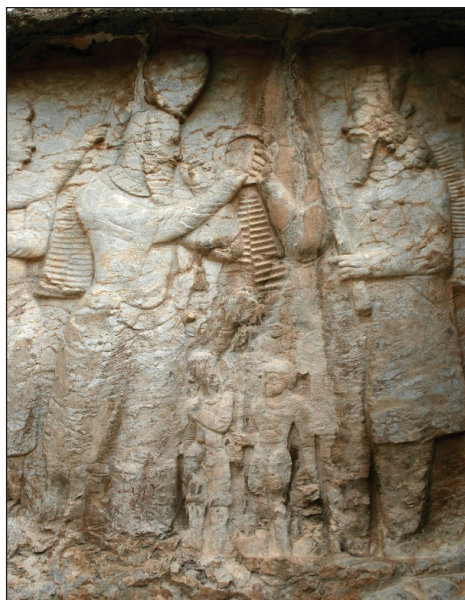
Shepherd, D. "Sasanian Art in Cleveland," *Bulletin of the Cleveland Museum of Art*, vol. 51. 1964. p. 83–8.

Thompson, E. "Composition and Continuity in Sasanian Rock Reliefs," *Iranica Antiqua* 43. 2008. p. 299-358.

Yahaghi, M. J. and M. Jalali. "Children as the Main Theme in Shahnameh," *e-Journal of New World Sciences Academy (NWSA)*. Vol. 6, No. 1, Art. No. 4C0083. 2011. p. 206-217.



تصویر ۲: سنگ نگاره نرسی در نقش رستم (عکس از داریوش محمدخانی)



تصویر ۱: سنگ نگاره اردشیر اول در نقش رجب (عکس از داریوش محمدخانی)



تصویر ۳: سنگ نگاره اردشیر در پای پل فیروزآباد

(منبع تصویر [http://www.makanbin.com/fars/place/%D9%86%D9%82%D8%B4-%D8%AA%D8%A7%D8%AC%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%B4%DB%8C%D8%B1-%D9%BE%D9%84-%D9%85%D9%87%D8%B1-%D9%86%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%81%DB%8C\(%D8%B1%D9%88%D8%B2%D8%A2/](http://www.makanbin.com/fars/place/%D9%86%D9%82%D8%B4-%D8%AA%D8%A7%D8%AC%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%B4%DB%8C%D8%B1-%D9%BE%D9%84-%D9%85%D9%87%D8%B1-%D9%86%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%81%DB%8C(%D8%B1%D9%88%D8%B2%D8%A2/))



تصویر ۴: مهر سنگی، احتمالاً سده چهارم م.، کتیبه پهلوی حاوی نام و لقب فرد، موزه بریتانیا

(منبع تصویر [http://www.britishmuseum.org/research/collection\\_online/collection\\_object\\_details.aspx?objectId=1526547&partId=1&object=20182&matcult=16012&page=2](http://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objectId=1526547&partId=1&object=20182&matcult=16012&page=2))



تصویر ۶: مهر سنگی، احتمالاً سده چهارم م.، موزه بریتانیا

(منبع تصویر [http://www.britishmuseum.org/research/collection\\_online/collection\\_object\\_details.aspx?objectId=367472&partId=1&object=20182&matcult=16012&page=3](http://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objectId=367472&partId=1&object=20182&matcult=16012&page=3))



تصویر ۵: مهر سنگی، احتمالاً سده چهارم م.، کتیبه پهلوی ارمنیدخت، موزه بریتانیا

(منبع تصویر [http://www.britishmuseum.org/research/collection\\_online/collection\\_object\\_details.aspx?objectId=367471&partId=1&searchText=iran&matcult=15769|16012&view=list&page=1](http://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objectId=367471&partId=1&searchText=iran&matcult=15769|16012&view=list&page=1))



تصویر ۷: نقش برجسته شاپور اول در تنگ چوگان بیشاپور

(منبع تصویر [http://www.livius.org/a/iran/bishapur/bishapur\\_relief\\_2\\_1.JPG](http://www.livius.org/a/iran/bishapur/bishapur_relief_2_1.JPG))





تصویر ۸: نقش برجسته شاپور اول در تنگ چوگان بیشاپور  
([http://www.livius.org/a/iran/bishapur/bishapur\\_relief\\_3\\_7.jpg](http://www.livius.org/a/iran/bishapur/bishapur_relief_3_7.jpg)) منبع تصویر



تصویر ۹: بشقاب نقره زراندود با نقش ملهم از افسانه دیونیسوس، سده های ۵ تا ۷ م.، موزه اسمیتسونین،  
گالری هنری فریر

(منبع تصویر [http://www.asia.si.edu/collections/edan/object.cfm?q=fsg\\_F1964.10](http://www.asia.si.edu/collections/edan/object.cfm?q=fsg_F1964.10))



تصویر ۱۰: بشقاب نقره زراندود با نقش ملهم از افسانه دیونیسوس، سده های ۲ تا ۳ م.، موزه بریتانیا  
(منبع تصویر [http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight\\_objects/me/s/sasanian\\_silver\\_dish.aspx](http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight_objects/me/s/sasanian_silver_dish.aspx))



تصویر ۱۱: گلدان یا تنگ نقره زراندود موسوم به ظرف آناهیتا، سده های ۴ و ۵ م.، موزه کلیولند  
(منبع تصویر <http://www.clevelandart.org/art/1962.294>)



تصویر ۱۲: گلدان نقره زراندود با ۶ قاب و تصویر زن، سده های ۶ و ۷ م.، موزه ارمیتاژ  
(<https://depts.washington.edu/silkroad/museums/shm/shmsasanian.html> منبع تصویر)



تصویر ۱۳: گلدان یا تنگ نقره زراندود، سده های ۶ و ۷ م.، موزه اسمیتسونین، گالری هنری فریر  
([http://www.asia.si.edu/collections/edan/object.cfm?q=fsg\\_F1966.1](http://www.asia.si.edu/collections/edan/object.cfm?q=fsg_F1966.1) منبع تصویر)



تصویر ۱۵: گلدان/تنگ نقره زراندود، سده های ۶ و ۷ م.، موزه اسمیتسونین، گالری هنری فریر  
(منبع تصویر <https://www.pinterest.com/>  
(pin/537406168011237160/



تصویر ۱۴: آبریز نقره زراندود، سده های ۶ و ۷ م.، موزه اسمیتسونین، گالری آرتور ام. سکالر  
(منبع تصویر <http://www.asia.si.edu/collections/>  
(edan/object.cfm?q=fsg\_S1987.118a-b



تصویر ۱۶: پیکرک گچی پسر بچه برهنه، خانه اربابی حاجی آباد، داراب فارس، سده ۴ م.  
(منبع تصویر آذرنوش ۱۳۹۴: ۳۶)